

متن کامل روشنگری هسته ای دکتر احمدی نژاد/ بهانه بیگانگان درباره مساله هسته ای مربوط به دوره مدیریت روحانی است / مشکل ما این بود که حاضر نشدیم هموطنانمان را به بیگانه بفروشیم / نا گفته های توافق تهران با ترکیه و برزیل / سفیر انگلیس می دانست قرار است سفارت انگلستان تسخیر شود/ خیانت شد/ از سال ۹۰ خیلی محترمانه کنار آمدم / گفتیم می خواهیم مشکل تحریم را حل کنیم گفتند نمی گذاریم

دکتر احمدی نژاد رئیس دولت های نهم و دهم در یک گفت و گوی ویدئویی با اجرای محمدرضا تقوی فرد به شبهات و اتهامات مطرح شده از سوی دولتمردان کنونی در موضوع هسته ای پاسخ داد و طی آن شرایط کشور را که منجر به برقراری تحریم های آمریکا و برخی هم پیمانانش بر ایران شد ، تشریح کرد.

به گزارش دولت بهار، متن کامل اظهارات دکتر احمدی نژاد در این گفت و گوی ویدئویی به شرح زیر است:

* مجری برنامه : به نام خدا. ابتدا سال نو را به عموم مردم عزیز ایران و جناب آقای دکتر احمدی نژاد تبریک می گویم و سپس به طرح سئوالات خود از ایشان می پردازم.

*دکتر احمدی نژاد: بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و جعلنا من خیر انصاره و اعوانه و المستشهدین بین یدیه .

بنده هم تبریک می گویم سال نو را و همه ی خوبی ها را برای همه ارزو می کنم.

*مجری : یکی از اصلی ترین مباحث مطرح شده در سال های گذشته که به دولت شما بر میگردد و خیلی ها در باره آن حرف می زنند و مردم هم می خواهند پاسخ صریح بگیرند به انرژی هسته ای مربوط می شود و همه می دانند در دولت شما تبدیل به یک مطالبه ی عمومی شد. اصلا چه شد که انرژی هسته ای، حق مسلم ما شد؟ یعنی اینکه مردم به این نقطه رسیدند که آن را حق مسلم خود بدانند.

*دکتر احمدی نژاد: هر ملت، فرد یا هر کشوری که بخواهد پیشرفت کند و جایگاه واقعی خود را به دست آورد؛ به علم و تکنولوژی ، دانش و دانش تبدیل شده به فن نیازمند است تا بتواند راه پیشرفت خود را هموار سازد؛ مسایلش را حل نماید و بهتر زندگی کند. بعضی از علوم و فنون، نقش لوکوموتیو را دارند و پیشران هستند. یعنی وقتی حرکت می کنند؛ بقیه علوم و فنون را دنبال خودشان می کشند و جلو می برند. علوم زیستی ، علوم

پیشران هستند. این ها وقتی رو به جلو حرکت می کنند یا بر یک قله ای مسلط می شوند؛ راه را برای حرکت بقیه علوم باز می کنند تا خودشان را به آنجا برسانند. تکنولوژی های بیو، نانو و هسته ای و هوافضا، تکنولوژی های پیشران و لوکوموتیو هستند. یعنی وقتی می خواهیم ماهواره به فضا بفرستیم، دهها دانش و تکنولوژی باید پیشرفت و ارتقاء پیدا کند تا جایی برسد که بتوانید ماهواره را به آسمان پرتاب کنید. در این مسیر پیشرفت، صدها مساله اجتماعی، صنعتی، علمی، شهرسازی و ساختمان نیز حل می شود و زندگی را بهبود می بخشد و آن قله را هم هدف قرار می دهد. انرژی هسته ای، دانش و فناوری هسته ای نیز یک لوکوموتیو اصلی است. یعنی لوکوموتیوی است که می تواند بسیاری از علوم و تکنولوژی ها را به دنبال خودش بکشد و به جلو هدایت کند و این حق هر ملتی است. ملت ما هم از ۴۰ سال قبل، معاهده ای به نام ان پی تی NPT را که در واقع ممانعت از نشر بمب هسته ایست، امضاء کرده است. در مقابل یک حقوقی بدست آورده است که بتواند از فناوری و دانش هسته ای در زمینه های صلح آمیز استفاده کند. قبل از انقلاب تلاش هایی صورت گرفت و قراردادهایی با برخی از کشورها بسته شد، به محض اینکه ملت وارد صحنه انقلاب شد؛ یک طرفه همه را به هم زدند. بعدها دوباره تلاش هایی آغاز شد تا ما از این حق طبیعی خودمان که متعلق به هر ملتی است و لازمه پیشرفت است؛ استفاده کنیم. این مساله بار دیگر به بن بست های سال ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ برخورد کرد و مجددا قفل شد. یکی از توقعات طبیعی مردم از بنده به عنوان خادم و کوچک خودشان، این بود که این حق استیفا شود. اینکه همه مردم می گفتند حق مسلم ماست و این حق هم یک حق طبیعی، خدادادی و قانونی است که از ملت سلب شده بوده و مردم از این امر به شدت ناراحت بودند.

بنده به همه شهرهای ایران سفر کردم و در هر جا که وارد شدم، همه مردم یک حرف را فریاد زدند و گفتند که انرژی هسته ای حق مسلم ماست. این حرف، ملت ایران کاملا درست است و هیچ کس در هیچ نقطه ای از دنیا نمی تواند این حق را نادیده بگیرد و آن را نفی کند.

***مجری: نمی شد یک کاری کرد که در واقع هم ما به انرژی هسته ای برسیم؛ هم آن تحریم ها اتفاق نیافتد؟ شاید این بخاطر نوع نگاه شما بود که تحریم ها را اصلا قبول ندارید.**

***دکتر احمدی نژاد: نه! اینطور نبود. در فضای رسانه ای و از سوی گروههای سیاسی، حرف هایی زده می شود که خودشان دوست دارند و می خواهند رقیب را به هر ترتیبی نفی کنند! ما به سراغ فناوری های قانونمند و نظام مند و مجاز هسته ای رفتیم و آن را توسعه دادیم. اول به غنی سازی رسیدیم، یک آبشار، دو آبشار و سپس صنعتی شدیم و همین طور به تکنولوژی غنی سازی ۲۰ درصد نیز و سانتریفیوژهای جدید دست پیدا کردیم و همه این ها هم طبق قوانین بین المللی است. هیچ کس نمی تواند به این ها ایراد بگیرد. اما در موضوع هسته ای، ایران یک بهانه ای دارد. بیگانگان طی پانزده یا شانزده سال روی همین بهانه دارند پافشاری می کنند و آن هم یکسری فعالیت هایی است که زمان اتفاق آنها به در دوره ای بازمی گردد که آقای روحانی مدیر هسته ای بود. آن ها معتقدند که انحراف، صورت گرفته و به سمت نظامی گری بوده است. تمام قطعنامه های صادره**

در موضوع هسته ای چه در آژانس و چه شورای امنیت سازمان ملل، مربوط به آن ادعاهایی می شود که در دوره آقای روحانی مطرح بوده است و الا هیچیک از قطعنامه های آژانس یا شورای امنیت سازمان ملل ؛ مربوط به دولت های نهم و دهم نیست. با اینکه تقریباً اصل انرژی هسته ای و توسعه فناوری هسته ای در این دو دولت بوده است که طی آن به ۲۰ درصد رسیدیم؛ صفحه سوخت درست کردیم؛ صنعتی شدیم؛ سانتریفیوژ های نسل جدید آوردیم و آزمایش کردیم؛ روی آن هیچ ایراد قانونی وجود ندارد. مربوط به قبل است. آن ها قبلاً ایراد گرفتند. همین آقای روحانی مذاکره کرد؛ رفتند تعطیل کردند. به گونه ای تعهدات را داده بود که حق ما را به طور کامل سلب می کرد. مردم خواستند این حق برگردد لذا ما به صراحت به آژانس گفتیم که آقا حرفتان چیست؟ آقای لاریجانی که رئیس مجلس بود؛ رفت مذاکره با آقای البرادعی. آن ها ۶ سؤال صریح و یک سؤال مبهم در مورد ادعاهای آمریکا درباره هسته ای ایران مطرح کردند که من گفتم این آخری را نپذیرید. هر سوالی صریح بود ما جواب می دهیم. ۶ تا را بپذیرید این آخری را نپذیرید. منتها آقای لاریجانی نظرش این بود که نه! ما درستش می کنیم؛ حل می کنیم و حرف هایی از این دست ، لذا هر ۷ تایش را پذیرفتند.

*مجری : آقای لاریجانی آن زمان دبیر شورای امنیت ملی بود؟

*دکتر احمدی نژاد: بله ایشان دبیر شورای امنیت ملی و مسئول مذاکرات بود. آن ۶ تا را پاسخ دادیم که همه آنها به قبل از دولت من یعنی زمانی که آقای روحانی مسئول هسته ای کشور بود ، باز می گشت. آن شش تا را سوال کردیم و آژانس گفت آقا قانع کننده است. اما در موضوع ادعا، گفتم آقا ادعا پایانی ندارد و دست خود آنهاست. لذا پی در پی سوال دادند و نتیجه اش قطعنامه بود. آن ها گفتند چون شما قبلاً منحرف شده اید؛ پس باید متوقف کنید و یک تعهداتی را بپذیرید بعد بیایید ادامه دهید. مشکل بنده این بود که می گفتم ادعاهای شما درست نیست. یعنی ما حاضر نشدیم هموطنانمان را به بیگانه بفروشیم! آن طور که بعدی های ما این کار را کردند .

*مجری: یعنی شما از عملکرد دوره آقای روحانی در زمان دبیری شورای عالی امنیت ملی بخ طور کامل دفاع کردید؟

*دکتر احمدی نژاد: ما گفتیم آقا شما حرفتان بی خود است. شما باید بیایید اثبات کنید. و الا در مورد فعالیت های دوره ما، ادعایی وجود ندارد زیرا همه اقدامات ما با اجازه آژانس و مو به مو طبق مقررات انجام شده است. اما یک ادعایی هست که مربوط به قبل از ماست ولی ما حاضر نشدیم بگوییم این ها مربوط به دولت قبل بوده است. ما گفتیم که آنها را قبول نداریم. چیزی که متأسفانه بین بیگانگان علیه دولت قبل اتفاق افتاد و به عنوان ابزار تهدید علیه ملت ایران استفاده شد زیرا به بیگانگان گفتند که اگر با ما راه نیابید؛ قبلی ها بازمی گردند. ما چنین رفتاری را قبول نداریم. من یک ایرانی هستم. غیرت ایرانیم اجازه نمی دهد هم وطنمان را اگرچه مخالف من است ، به بیگانه بفروشم. ما ایستادیم و بعد هم به نام ما تمام شد. ما یک سیری را در هسته ای طی کردیم؛

در سال ۸۴، ۸۵، ۸۶ گفتیم این حق باید تثبیت شود. تثبیت به این معنا که ما از این حق استفاده کنیم و استفاده کردیم تا به مرحله صنعتی رسیدیم. آن ها هم خیلی تلاش کردند جلوی ما را بگیرند اما موفق نشدند. سال ۸۶ که ما هسته ای شدیم؛ من مصاحبه کردم و گفتم تا الان تلاش کردید جلوی ما را بگیرید؛ اما نتوانستید. حالا که نمی توانید از چنگ ما در بیاورید؛ بسم الله دوره تقابل را کنار بگذارید تا دوره تعامل را شروع کنیم زیرا ما هم هسته ای هستیم و آماده ایم تا با هم همکاری کنیم و این تلاش ها را برای بردن به فضای همکاری، ادامه دادیم...

***مجری: طبق اظهارات آقای صالحی، شما گفتید که ما با آمریکایی ها مذاکره نمی کنیم. اینکه میفرمایید ما گفتیم تعامل می کنیم...**

*دکتر احمدی نژاد: ما یک کشور هسته ای شده بودیم و برای تعامل و همکاری اعلام آمادگی کردیم. گفتیم چند تا شما یکی هم ما! می نشینیم درباره هسته ای با هم همکاری می کنیم. کارخانه می زنیم؛ تولید می کنیم؛ صادر می کنیم؛ نیروگاه می سازیم. با هم دیگر! ما هسته ای شدیم؛ بالاخره مال خودمان است شما که بما ندادید! جوانان و دانشمندان و ملت خودمان بدست آوردند! تا اینکه در انتخابات ۸۸ این روند، مقداری آسیب دید. ما قبلا با آمریکایی ها در باره عراق مذاکره کردیم تا اینکه به انتخابات ۸۸ خورد و یک مقدار کار را سست کرد. بعد که دیدند خبری نیست دوباره آمدند. سال ۸۹ دوباره مذاکرات نه فقط مستقیم با آمریکا بلکه با آمریکا، فرانسه و روسیه شروع شد.

***مجری: من شنیدم که طی سال های ۸۹ و ۹۰ در واقع دوتن از مسئولان کشورهای دنیا برای مذاکره به ایران آمده بودند. چه اتفاقی افتاد آن جا در واقع؟ برزیل بود و یک کشور دیگر ظاهرا.**

*دکتر احمدی نژاد: ما برای راکتور تهران به اورانیوم با غنای ۲۰ درصد نیاز داشتیم تا بتوانیم رادیو دارو درست کنیم. به آژانس نامه دادیم و آژانس گفت نمی دهیم. ما هم گفتیم اگر ندهید ما چاره ای نداریم جز آنکه نیازمان را خودمان تولید کنیم. با البرادعی صحبت کردیم و گفت که این یک فرصتی است. از آن طرف هم ظاهرا رئیس جمهور آمریکا به البرادعی پیغام داده بود که آقا این فرصت را استفاده کن؛ مساله را حل کنیم. البرادعی به ما گفت که بیاییم همین موضوع ۲۰ درصد را بگذاریم وسط، مساله هسته ای را حل کنیم. من پذیرفتم. مذاکره ای شکل گرفت؛ آمریکا، روسیه، فرانسه، آژانس و ما در وین. آن جا رفتیم روی تبادل به یک توافقی دست یافتیم که ما ۱۲۰۰ کیلو از تولیدمان را که می خواهیم به ۲۰ درصد تبدیل کنیم، این ها را قسمت قسمت به روسیه بدهیم و روسیه با تبدیل آنها به ۲۰ درصد، تحویل فرانسه بدهد تا فرانسه به راکتور تهران صفحه سوخت بدهد و این بشود آغاز تعامل و دعواها کنار گذاشته شود. آژانس هم وارد شود و بگوید هر ادعایی علیه ایران بوده را دیگر می گذاریم و روی فعالیت های همکاری و تعاملی متمرکز می شویم.

***مجری :** به این ترتیب با این توافق دیگر دیگر لازم نبود راکتور اتمی از کار بیافتد یا بتن ریخته شود؟ یعنی ما اگر در آنجا موفق می شدیم و ادامه پیدا می کرد...

*دکتر احمدی نژاد: ما هیچ تعهدی نمی دادیم جز همکاری! مطلقا اینطور نبود که ما حقوقمان را کنار بگذاریم؛ حق ما برای غنی سازی به هر میزان که مایل باشیم در چارچوب آژانس محفوظ بود. آن چارچوب هم تعهد کلی ۴۰ سال قبل ایران بود. در آن چارچوب چون ما قوانین را رعایت کردیم، حرفمان یکی است و دوتا نیست. پشت صحنه یک جور و جلوی صحنه جوری دیگری نیست! طبق قانون کارمان را انجام می دهیم و از بیگانگان ترسی نداریم. می خواستیم هسته ای بشویم که شدیم! متأسفانه در داخل موانع ایجاد شد و همکاری نکردند. رئیس مجلس و بعضی های دیگر که رئیس بودند اما الان در این دنیا نیستند، سر و صدا کردند و خیانت شد! اخیرا هم که برجام امضاء می شد؛ رئیس پژوهش های مجلس گفت ما جلوی ما را گرفتیم و نگذاشتیم آن انجام شود و ما به آن افتخار می کنیم. در حالی که آن یک توافق بسیار متریقی بود. ما هیچ تعهدی نمی دادیم. مساله عادی می شد و تبدیل به همکاری می شد. مذاکرات خوبی در وین انجام شده بود. بعدا یعنی در همان زمان ، آمریکایی ها به رئیس جمهور برزیل و ترکیه متوسل شده بودند که شما وارد شوید. اما شرایط که عوض شد؛ دیگر نیاز آمریکایی ها به این توافق کاهش پیدا کرد. در سال ۱۳۹۰ آن نشست در تهران برگزار شد. روسای جمهور آمدند؛ عین توافقی که ما در وین کرده بودیم؛ در مذاکرات مطرح کردیم اما آمریکایی ها شاید فکر نمی کردند که کار به این جا برسد و دوتا رئیس جمهور دیگر بیایند آن را امضا کنند. نیاز اواما از توافق برطرف شده بود لذا به سمت دعوا رفت. یعنی زدند زیرش و قطعنامه صادر کردند. این جا دو نکته خیلی مهم وجود دارد. اینکه ادعاهای آن ها راجع به انحراف هیچ ربطی به دولت نهم و دهم ندارد. من نمی گویم آن ادعاها درست است؛ ما تمام تلاشمان را کردیم بطلان آن ادعاها را ثابت کنیم. همان ادعاهایی که به نام پی ام دی (PMD) گفتند در برجام حل کردیم اما در واقع حل نکردند و مربوط به دوره خود آنها بود نه دوره ما! ما گناهمان این بود که اولاً بر حقوق هسته ای ملت ایران ایستادیم که هیچ ایرادی بر آن نگرفتند؛ نکته دیگر این است که ما نپذیرفتیم هموطنان مان مجرم هستند .

***مجری:** شما همیشه می گفتید تحریم ها بی تاثیر هستند! به نظر شما آیا واقعا تحریم ها موثر نبودند؟

*دکتر احمدی نژاد: تحریم ها دو دسته هستند. یک دسته تحریم های سازمان ملل و شورای امنیت است که ما گفتیم بی ارزش است. آقا فلان قطعه را نخرید و رعایت کنید. همین الان در برجام به ظاهر می گویند آنها حل شده اند اما در بیرون اتفاقی نمی افتد. گشایشی نمی بینید! و این یک حالت ایذایی است.

اما دسته دوم ، تحریم هایی است که از اوایل سال ۹۰ وضع شد و آن هم تحریم هایی است که آمریکا و اتحادیه ی اروپا خارج از سازمان ملل و شورای عالی امنیت ، آنها را به صورت غیر قانونی اعمال کردند. آن هم ستون

فقراش دوتااست. یکی تحریم بانک مرکزی و دیگری خرید نفت است. خوب بانک مرکزی تحریم شود یعنی پول نمی تواند جابجا شود، این کار را سخت می کند. نفت بالاخره بخش قابل توجهی از درآمد و سرمایه یک کشور است. این را هم لازم است بگویم. اول آمریکایی ها پیشنهاد تحریم بانک مرکزی را دادند و سپس انگلیس پای آن در اتحادیه اروپا ایستاد. ما به آنها پیغام دادیم که ما با انگلیس اصلا رابطه اقتصادی نداریم؛ او می خواهد سر شما را ببرد! تلاش انگلیس در اتحادیه اروپا بی نتیجه ماند و تصویب نشد اما به محض اینکه سفارت انگلیس در تهران اشغال شد که من معتقدم سفیر انگلیس از قبل در جریان ماقوع بود و هفته قبل از حادثه، در بین سفرای اروپایی از وقوع یک اتفاق مهم در تهران خبر داده بود که ورق به نفع انگلیس بر می گردد. بعد از اینکه سفارت انگلیس اشغال شد و کار بسیار غلطی هم بود و رهبری نیز بعدا آن را کار غلطی خواندند، انگلیس کار خود را در اتحادیه اروپا پیش برد و تحریم ها به تصویب رسید. وقتی تحریم ها اعمال شد ما با همه مسئولین کشور صحبت کردیم و حتی به جلسه غیرعلنی مجلس رفتیم و برای خبرگان رهبری نیز موضوع را تبیین کردیم و گفتیم که این تحریم ها زورگویی و خارج از روال سازمان ملل است. این ها با آن قبلی ها فرق می کند. این جا باید کشور بسیج شود جلوی این ها را بگیرد. خوب این جا حرف ما را قبول نکردند. چند تا حرف زدند. یک عده گفتند این ها می خواهند به رهبری جام زهر بدهند و تحریمی در کار نیست. عده دیگری گفتند آقا سوء مدیریت است؛ این ها بیخود می گویند تحریم است. خیلی ها، از جمله رئیس مجلس قبل گفته بود، سوء مدیریت است و ربطی به تحریم ها ندارد و نگذاشتند آن بسیج عمومی اتفاق بیفتد. از آن طرف ما گفتیم پنج یا شش کار باید انجام شود که نگذاشتند. اگر می گذاشتند آن پنج شش تا کار انجام شود؛ اصلا تحریم نمی توانست اینطور در اقتصاد ما تاثیر بگذارد. متاسفانه گرایش های سیاسی داخلی و نگاه های شخصی و گروهی، مانع از این بود که حقیقت را درک کنند. فکر می کردند دارند دولت را تضعیف می کنند. البته تضعیف دولت هم کار غلطی است. دولت تضعیف شود؛ دشمن پررو و جری می شود! شما خاطرات خانم کلینتون و صحبت های جو بایدن و شیمون پرز را ملاحظه کنید. همه ناراحت بودند و می گفتند یک دولتی در ایران آمده است که ما حریفش نمی شویم. بعدا خانم کلینتون و آقای جو بایدن گفتند ما رفتیم زدیم! وقتی مانع دولت را برداشتیم؛ دیگر به راحتی توانستیم علیه ایران فشار های گوناگون را اعمال کنیم. خوب این فشار ها را آوردند؛ شد تحریم. بعد هم از سال ۹۰ من دیدم مسیری که ما باید در هسته ای جلو برویم؛ جلو نمی رود! یعنی ما هسته ای شده ایم؛ حالا باید برویم بنشینیم تعامل کنیم دیگر؟ دیگر دخالت نکردم در مسائل هسته ای. چون دیدم تاثیری ندارد و حرف ما اصلا عمل نمی شود! به همین خاطر من خیلی محترمانه آمدم کنار و دیگر به مساله هسته ای ورود نکردم.

*مجری: آقای دکتر یکی از شعارهایی که در زمان انتخابات سال ۹۲ توسط رئیس جمهور کنونی داد و خیلی هم مورد توجه قرار گرفت؛ این بود که ایشان هم نظرش این بود که سانتریفیوژ ها باید بگردد ولی خوب چرخ اقتصاد هم باید بگردد. واقعا شما زمانی که به چرخش سانتریفیوژها فکر می کردید به چرخش اقتصادی هم فکر می کردید؟

*دکتر احمدی نژاد: بیشترین حجم کارهای اقتصادی در دولت دهم انجام شده است. اگر کسی بخواهد داخل کشور را بسازد؛ باید از موضع اقتدار بسازد. اگر اقتدار ملی تضعیف شد شما مطمئن باشید در داخل نمی توان آجر روی آجر گذاشت. در دوره اقتدار هسته ای بود که ما پیشرفت های بسیار گسترده بدست آوردیم. ظرفیت تولید سیمان و فولاد ۲,۵ برابر شد. نیروگاه های ما نزدیک دو برابر شد. ظرفیت آب پشت سدها، ۴۵ درصد افزایش یافت. راه ها درست شد. مدرسه ها درست شد. کارخانجات گوناگون، کاشی، سرامیک، لوازم خانگی، صادرات غیرنفتی ما که تولید داخل است از ۷ میلیارد دلار به ۴۳ میلیارد دلار افزایش یافت. طی ۳۰ سال از هفتصد میلیون دلار به ۷ میلیارد دلار رسیده بود که یک باره و ظرف شش هفت سال ۴۳ میلیارد دلار شد و به رقم واردات نزدیک شدیم. در حوزه علم و فناوری چه پیشرفت های بزرگی حاصل شد. ما به فضا ماهواره و موجود زنده فرستادیم. موشک های دور برد ماهواره بر درست کردیم. در نانو تکنولوژی موفقیت های چشمگیری حاصل گردید. سرعت رشد علمی مان دو برابر شد. حجم دانشگاه ها به لحاظ زیر ساخت ها یعنی آزمایشگاه ها، ساختمان و کلاس دو برابر شد. یعنی هرچه از شصت یا هفتاد سال قبل داشتیم، دو برابر. هرچقدر مدرسه داشتیم؛ نصفش اضافه شد. هرچقدر ورزشگاه داشتیم؛ دو برابر شد.

*مجری: واقعا آن تحریم ها مانع نشد؟

*دکتر احمدی نژاد: چرا شد! اما تحریم ها را می شد برداشت. سال ۹۰ اوج تولید است و ۹۱ هم یک مختصری کم شد. حالا آمارهایی می دهند که من بعدا جداگانه به آنها پاسخ خواهم داد. رشد منفی ۶,۴ مربوط به خرید نفت است نه بقیه بخش های اقتصادی. بقیه بخش ها فعال بودند. خودروسازی مقدار کمی افت کرد اما بقیه بخش های اقتصادی فعال بود؛ کشاورزی، خدمات، انواع صنایع و معادن فعال بود. صادرات غیر نفتی ما این را نشان می دهد ولی چون یک باره ۴۰ درصد خرید نفت کاهش پیدا کرد؛ وزن نفت چون بالاست عدد را پایین آورد. روی این عدد مانور می دهند. حالا من این را پاسخ می دهم. ولی دولت که تا آخرین لحظه برای مردم دوید. اما یک دولت به تنهایی نمی تواند در برابر موانع کاری را انجام دهد. ما برای حل مساله تحریم ها ۵ تا طرح داشتیم اما هیچ کدام را اجازه ندادند. به صراحت هم گفتند اجازه نمی دهیم. البته من هم با اجازه تان گفتم خیانت می کنید! یا خودتان طرح بدهید؛ ما اجرا می کنیم. یا ما طرح می دهیم شما اجرا کنید. یا اصلا مسئولیت با شما، ما پشتیبانی می کنیم. بالاخره این تحریم است. قائل نبودند این تحریم است. می گفتند سوء مدیریت است. بعدا خودشان گفتند تحریم؛ تحریم؛ تحریم و رفتند برجام را امضاء کردند و تعهدات سنگینی دادند. قبل از آن می گفتند تحریمی وجود ندارد و به همین خاطر اجازه نمی دادند که ما طرح ها را اجرا کنیم. همین الان هم به شما بگویم حل مشکل اقتصادی پنج شش تا طرح است. این ها اجرا شود؛ ما از این وضع بیرون می آییم.

*مجری: من اجازه می خواهم که خیلی صریح یک سوالی را از شما بپرسم. در سفر آمل یک شهروند محترمی با صدای بلند گفت آقای احمدی نژاد به ما پاسخ دهید که این برجام بالاخره به نفع ملت بود

یا نه؟ آخرش هم با تاکید گفت این را بگو! جنابعالی آن جا پاسخ دادید از من نپرس؛ از مردم نپرس! من اینجا می خواهم واقعیتش خیلی با سماجت و صراحت از شما بخواهم که شما بگویید.

*دکتر احمدی نژاد: برجام یک تعهد حقوقی ایجاد کرده است. مسئولین نظام، مراکز تصمیم گیری آن را تصویب کردند؛ رهبری هم گفتند من به آن پایبندم. بنابراین به لحاظ حقوقی یک سند است. اما در موضوع برجام یک ادعاهایی شد که آقا تمام تحریم ها را بر می دارد؛ تحریم جدیدی نخواهد بود؛ وضع اقتصاد خوب خواهد شد؛ ارتباط با کشورهایی که در ۳۷ سال مشکل بوده است؛ این ها اصلاح خواهد شد. به نظرم این اطلاعات نادرست بود. اطلاعات درستی در موضوع برجام به مردم داده نشد. بعد هم که دیدیم مساله ای حل نشد. ضمنا تحریم جدید کردند و مسئولین ما هم حاضر نیستند شکایت کنند. چرا؟ چون وقتی مراجعه کردند به برجام دیدند ظرفیت شکایت و پیگیری وجود ندارد. من به مسائل خوشبینانه نگاه می کنم. به نظرم اکثر قریب به اتفاق مسئولین ما برجام را نخواندند و آن را پذیرفتند. از رفتارها می فهمم. چطور ممکن است یک ایرانی بپذیرد که ۶ نفر آمدند یک ادعایی را علیه ما مطرح کردند و گفتند ما می خواهیم جلوی هسته ای تان را بگیریم؛ شما منحرف شدید؛ باید تعهد بپذیرید. بعد می آییم اختلافات را ارجاع می دهیم به یک جمع شش هفت نفره با رای واحد که هرکدام یک رای و بعد هم می گوئیم اتفاق آراء لازم است. معنایش این است که ما همیشه بازنده ایم! اگر یک کسی این را خوانده بود؛ آیا آن را امضاء می کرد؟ می گویم من خوشبینانه دارم می بینم. من اطلاع دارم چند نفر حقوقدان آمریکایی آورده بودند؛ بیش از ۲۰۰ نفر حقوقدان بین المللی که خودشان این آیین نامه ها را نوشته بودند. از این طرف کسی نبوده است!

*مجری: یک جریان رسانه ای بوجود آمده بود که مثلا وزیر امور خارجه در بالکن این را گفتند...

*دکتر احمدی نژاد: این ها بحث های حاشیه ای است. بالاخره معلوم شد برجام ظرفیت پیگیری حقوق ایران را ندارد. بعد هم گفتند نه این فقط تحریم های سازمان ملل را بر می دارد. تحریم های دیگر را باید مذاکره کنیم. تحریم های هسته ای بوده، تحریم های حقوق بشر و تروریسم را باید مذاکره کنیم. پس معلوم شد آن ادعاهایی که شد از دل این بیرون نمی آید. خیلی روشن است. من معتقدم ما باید مردم را در جریان می گذاشتیم. در این مواقع باید نظر مردم را خواست چون سرنوشت یک ملت است. نمی شود اطلاعاتی به مردم بدهیم که نوعا اطلاعات واقعی نیست و تعهدی ایجاد کنیم. حالا تعهد ایجاد شده است. بالاخره یک سند حقوقی امضا شده و تعهدات را پذیرفته اند اما اگر دنبال این هستیم که از دل این یک چیزی برای ملت ایران بیرون بیاید؛ تا الان که نشان داده که غیر ممکن است. مسئولین هم که پیگیری نمی کنند. آمریکایی ها مدام تحریم جدید می گذارند. شکایتی از طرف ایران مطرح نمی شود. در حالیکه قبلا می گفتند نه ما می گیریم، می بریم، شکایت می کنیم پدرشان را در می آوریم. بسیار خوب اینهایی که گفتید چه شد؟! من معتقدم مسئولین خیلی باید با مردم رو راست باشند. باید مردم را در جریان بگذارند.

آن روز که من پاسخ ندادم برای این بود که در حال مذاکره بودند و می گفتند الان اجرا می شود و تازه قرارداد بسته بودند و صبر کنید و معجزه خواهد شد. سکوت ۴ ساله من به این دلیل بود که نمی خواستم وقت اینها در این حد که بخواهند پاسخ من را بدهند؛ گرفته شود. ولی ما الان دوباره در آستانه اتخاذ تصمیم برای سرنوشت ملت هستیم و باید یک سری مسائل حل شود. ادعاهای آن ها مال دوره ی آقای روحانی است. ما مردانگی کردیم. چون مردانگی کردیم؛ هزاران تهمت در داخل خود این ها به ما زدند. این مردانگی است؟!!

***مجری: حالا یک جایی هم گفته شد آن مردی که هلوکاست را افسانه می دانست؛ رفت...**

*دکتر احمدی نژاد: اینکه بروند جلوی آن ها این حرف را بزنند کار قبیحی است؛ شما بدانید هرگز من در مقابل بیگانه علیه هیچ ایرانی صحبت نخواهم کرد. البته نمی خواهم بگویم اگر او ظلم کرده باشد؛ من ظلمش را نادیده می گیرم. چگونه یک نفر می تواند هموطن خودش را به بیگانه بفروشد؟ ولو آن هموطن مخالف و دشمن من باشد؛ من این را جوانمردی نمی دانم. بالاخره ادم باید یک خمیرمایه ای داشته باشد. من حاضر نخواهم بود ولو هزاران تهمت بزنند؛ له کنند، حتی اعدام کنند؛ از این بدتر که نیست.

***مجری: آقای صالحی صریحا گفتند شما مخالف مذاکره کردن بودید.**

*دکتر احمدی نژاد: نه! هم زمان که آقای دکتر صالحی این را می گفتند، یک عده هم می گفتند تندرو است و اهل مذاکره نیست؛ یک عده هم می گفتند سازشکار است می خواهد مذاکره کند. دو تا جناح کشور، مخالف من بودند. یکی از آن ها می گفت این تندرو است نمی خواهد مذاکره کند، دیگری می گفت این سازشکار است می خواهد مذاکره کند!

مذاکره یک امر عقلانی است؛ کسی نمی تواند بگوید من مذاکره نمی کنم. موارد استثناء ممکن است پیش بیاید آن هم بگوید در این مقطع مذاکره نمی کنم والا در دنیا، روابط اصل است؛ مذاکره هم اصل است. ما رژیم صیهونیستی را قبول نداریم زیرا اصل آن را نامشروع می دانیم و الا ما با آمریکایی ها در باره خروجشان از عراق و سپردن کارها به دولت این کشور مذاکره کردیم. قبل از ما در باره افغانستان مذاکره شد. ضمن اینکه من از روز اول که به سازمان ملل رفتم گفتم مذاکره می کنیم ولی در شرایط برابر و عادلانه.

سال ۹۱ آقای صالحی گفت که به او گفته اند بروند مذاکره کند و آن زمانی بود که بیگانگان تصور می کردند تحریم ها تاثیر گذاشته است و اعلام می کردند مسئولان جمهوری اسلامی زیر فشار تحریم ها حاضر به مذاکره شده اند. من نمی خواهم تاریخچه اش را در بیاورم. من دارم شرایط را تحلیل می کنم. آن موقع همه می گفتند مذاکره کنیم و در داخل هم همه بسیج شده بودند تا بگویند وضع خراب است. یک را صد معرفی می کردند و اگر یک اشکال پیدا می شد؛ آن را دو هزار برابر نشان می دادند. با من مخالف بودند اما داشتند کشور را خراب می کردند. این را هم من رفتم به یکایک آنها گفتم که روی شاخه نشسته اید و دارید بن می برید! خیال نکنید

دارید من را می زنید، من کسی نیستم. من نوکر ملت هستم! شما دارید کل کشور را می زنید و بعدا خواهید دید. منتها یک هیجانی در زدن ما داشتند و برای این منظور از هر فرصتی خصوصا در مسائل اقتصادی استفاده می کردند .

آن موقع من گفتم الان ما مذاکره کنیم؛ باید امتیاز بدهیم. مذاکره حداقل باید در شرایط مساوی باشد یا دشمن خیال نکند غلبه دارد. چند تا طرح اقتصادی است. شش ماه هفت ماه ما یک طراحی داریم. این ها را اجرا می کنیم ، وقتی بفهمند تحریم ها تاثیری نداشته است و در شرایط مساوی هستیم ، مذاکره می کنیم. یک عده می گفتند خیر! همین الان برویم مذاکره کنیم.. من نوشتم و گفتم الان مذاکره کنید باید امتیاز بدهید. مگر اینکه چند تا طرح برای اثبات بی اثر بودن تحریم ها پیاده کنیم . آن موقع، هم طرحش هم وجود داشت. اقتصاد ایران و ملت ایران این ظرفیت را دارد و طرحش را هم دارد. من نمی خواهم تعامل با دیگران را نفی کنم، گفتم ما دنبال تعامل بودیم. او می گفت ما افتخار می کنیم جلویش را گرفتیم. من نمی دانم چه افتخاریست که نگذاشت ما بدون دادن هیچ امتیازی هسته ای را حل کنیم بعد هم برجام را اینطوری تصویب کردند. بعد هم دیدید که مذاکره در این شرایط ، منجر به دادن امتیاز می شود . و دیدیم که چه امتیازهایی داده شده است. البته باز هم می گویم که برجام یک سند حقوقیست و نمی خواهم آن را زیر سوال ببرم چون بزرگان کشور آن را تأیید کرده اند. من گفتم که مذاکره در این شرایط ، کار اشتباهی است. ضمن اینکه آمریکایی ها یک طرح دارند و گام به گام جلو می روند و ما نباید همین طوری یک دفعه تصمیم بگیریم و برویم مذاکره کنیم! ضمن اینکه با پنج به علاوه یک مذاکره می شد! مسیری که من می گفتم؛ جلو نمی رفت. در قزاقستان مذاکره شد؛ در عراق شد؛ در اروپا شد؛ در جاهای مختلف رفتند مذاکره کردند اما بدون داشتن پلن (طرح) ! وقتی شما می خواهید مذاکره کنید؛ باید طراحی داشته باشید؛ قطعات پازل را تکمیل کنید. وقتی طراحی ندارید و قطعات پازلی وجود ندارد، باید سخنانی کنید یا به هرچه آن می نویسند تن بدهید! متن این برجام را آمریکایی ها نوشتند و دوستان ما هم امضاء کردند. شاید تلقی شان این بوده که آن حرف ها در برجام هست و امضا کردند. من از مذاکره کردن با کسی نگرانی یا ترس ندارم. ایا ایرانی از نظر منطق کم می آورد؟حتما کم نمی آورد !می گویم شرایط، مناسب نبوده است. دشمن می گفت ما فشار آوردیم و ایران را مجبور کردیم. من با امتیاز دادن مخالفم .

***مجری:** اگر این توافقنامه حقوقی برجام به دست شما برسد؛ آیا فکر می کنید این توان و قابلیت را دارید که با استفاده از تجربیاتتان با کسانی که دلسوزند و توانایی دارند از همین برجام استفاده های بهینه ای برای مردم بکنید؟

***دکتر احمدی نژاد:** ببینید هر ظرفیت مثبتی دارد ولو کوچکترین ظرفیت باشد، باید از آن استفاده کرد. من نکته بالاتری را بگویم؛ پیشرفت کشور و حل مسائل، مستلزم بسیج ملی است. باید ملت آستین ها را بالا بزند؛ مسئولین هم در خدمت مردم باشند. باید راه را برای مردم باز کنند تا انرژی ملت در جهت ساخت کشور و رفع

موانع به جریان بیفتد. آن وقت درست می شود. خارج از این اگر تصور کنیم اشتباه است زیرا با اتکاء به یک بیگانه، یا دل بستن به قول یک بیگانه اتفاقی در داخل نخواهد افتاد. ما ماهیت آن ها را میشناسیم! اگر می گوییم تعامل و مذاکره می کنیم؛ معنایش تغییر ماهیت آن ها نیست! ۴۰۰ سال دنیا را غارت کرده اند. همین الان اگر سیل انتقال ثروت ملت ها از طریق ساز و کار های تحمیلی به اقتصاد امریکا نباشد؛ اقتصاد امریکا یک ساله فرو می پاشد. آن ها اصلاً دنبال چپاول هستند. بدون چپاول اصلاً نمی توانند زنده باشند. ما باید روی پای خودمان بایستیم، بله ما اگر ظرفیتی در برجام و در هر معاهده ای هست باید استفاده کنیم. اما آن محور اصلی و آن ستون اصلی، خود ملت و توانایی های ملت است. آنقدر هست که همه با ما همکاری خواهند کرد. منتها شرطش این است که تصمیمات محکمی بگیریم. همه هم باید پشتیبانی کنند. نمی شود یک نفر برود وسط میدان و ۸۰ نفر او را بزنند!

***مجری: پس این ظرفیت هست و می شود استفاده کرد؟**

***دکتر احمدی نژاد: باید بررسی کرد و هر ظرفیتی وجود داشت آن را به خدمت گرفت .**

***مجری: تشکر از شما آقای دکتر احمدی نژاد**

***دکتر احمدی نژاد: ان شاء الله موفق باشید**